

امام خامنه‌ای دست‌برکاز

این که ما عرض کردیم «اقتصاد مقاومتی»  
این يك شعار نیست؛ این يك واقعیت است.  
کشور دارد پیشرفت می‌کند.  
ما افق‌های بسیار بلند و نویدبخشی را  
در مقابل خودمان مشاهده می‌کنیم.

۱۳۹۱/۵/۸

سخنرانی تبیینی

رییس سازمان بسیج مستضعفین

پیرامون

**اقتصاد مقاومتی**

۲۶ مهر ۱۳۹۱





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على نبينا و حبيب قلوبنا ابي القاسم المصطفى  
محمد و على آله الأطيبين الأظهرين المنتجبين

تبریک عرض می کنم این روز مبارک را به همه ی بزرگواران، حلول ماه ذی الحجه الحرام و پیوند آسمانی امیرالمومنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام که بزرگترین نعمات و برکات را برای امت اسلام و جامعه بشری بدنبال داشت که از جمله آنهاست موالید بسیار گرانقدری چون حضرت امام حسین علیه السلام و امام حسن علیه السلام و حضرت زینب کبری علیها السلام و میدان هایی که برای بشریت، این بزرگواران اداره کردند و درس هایی که آموختند. امیدواریم که این روز بر همه مبارک باشد و بتوانیم قدردان این نعمات الهی باشیم.

جلسه ای که خدمت بزرگواران و عزیزان هستیم تبیین مساله اقتصاد مقاومتی و چگونگی بازگویی آن برای جامعه است. از زبان بسیج و در جامعه طبیعتا این موضوع از نگاه های مختلف قابل تجزیه و تحلیل و بررسی است مثلا در ابعاد اقتصاد کلان، ابعاد روابط بین الملل و در ابعاد ساختار های مالی یک کشور، وقتی ما میخواهیم به سراغ تبیین این مسئله برای جامعه و برای بسیج برویم ممکن است نا خودآگاه در این مسیر و این ریل ها قرار گیریم که بخواهیم در این افق ها مسئله را طرح کنیم.

این بزرگترین آفت و آسیبی است که ممکن است کار ما داشته باشد ما اول باید بدانیم که هدفمان از تبیین اقتصاد مقاومتی و بحث ترویج گفتمان ولایت در بحث اقتصاد مقاومتی چیست؟ آیا ما می خواهیم یک بحث نظری و تئوریک را بشکافیم





و افراد باید روشن بشوند؟ خیر، این نیست حتما این نیست، شاید فقط در یک اقشاری مثل اساتید، اصناف و کارگزاران عالی دولتی اگر ما فرار بگیریم و بخواهیم جلسه ای برای تبیین بگذاریم وارد ابعاد اقتصاد کلان، مسائل روابط اقتصادی بین الملل و امثال این موضوعات بشویم. اما اینجا ما می خواهیم برای بدنه انبوه بسیج و مردم، اقتصاد مقاومتی را بشکافیم، برای آنکه آنها را وارد عمل کنیم تا نقش خودشان را ایفا کنند.

از میان دوازده رکن مهمی که از تحلیل فرمایشات مقام معظم ولایت در خصوص اقتصاد مقاومتی استخراج کردیم شش رکن آن مخاطبش عموم مردم هستند در بقیه موارد نیز مردم نقش دارند و در آن شش رکن دیگر دولت، دستگاه ها و دیگران نقش دارند. اما مخاطب اصلی شش محور از ۱۲ محور و مولفه اصلی ارکان مهم اقتصاد مقاومتی خود مردم هستند که ما بیشتر باید با تاکید بر این شش مولفه و محور، مساله را تبیین کنیم.

نحوه تبیین مطلب هم باید به گونه ای باشد که منجر به عمل بشود. باید حواسمان جمع باشد توجه کنیم که بیان این مساله فقط برای استدلال و اغنای فکری مخاطب نیست که ما فقط یک بحث استدلالی - علمی و تئوریک خشک را ارائه بدهیم و ابعاد مسئله را بشکافیم؛ بلکه بایستی توأم با شوق، انگیزش و حرکت دادن به فرد و مخاطب باشد. صرف این که ما استدلالی بگوییم اقتصاد مقاومتی این است و حالا این بخش ها عمدتاً مربوط به دولت است و این بخشها مربوط به مردم است با استدلال ها و مبانی آنها را تبیین کردیم، کفایت نمی کند. نحوه ی بیان ما و نحوه طرح مطلب ما باید به گونه ای باشد که شوق بیانگیزد در مخاطب و حرکت کند و بیاید به میدان، یعنی شما شب عملیات، طرح عملیات را خشک و





خالی تبیین نمی کنید برای بچه ها، مثل جبهه، کالک را بگذاری و بگویی گردان الف از این طرف میرود، اینجا که رسید سکوت می کند تا گردان ب برسد، وقتی خبر دادم حمله می کنیم، اینها رو خشک و خالی که نمی گفتند. شب عملیات با یک روح حماسه با یک زیارت عاشورا با یک حرکتی با یک عشقی با یاد شهدا، یادش بخیر. چه کسی اینجا باید چیکار می کرد، اگر سنگر دشمن وقتی مقاومت میکرد باید چه کرد و ...، لحظه به لحظه را فرمانده توصیف می کرد برای رزمنده که رزمنده حس بگیره برای عملیات.

اینجا باید شما اگر میخواهید تبیین کنید و تمام بدنه ای که می خواهند بروند نهضت روشنگری- که معاونت فرهنگی متولی آنهاست یا حوزه نمایندگی برای هادیان سیاسی که می خواهند آماده کنند مطالب را، یا تربیت و آموزش یا مربیان یا سرگروه های صالحین- همه اینها که می خواهند آماده کنند؛ این مطالب را، باید خیلی خوب برای گروه ها تبیین کنند که آقا مساله فقط یک استدلال نیست. نباید در فضای اقتصاد کلان بروید، بیایید در اقتصاد خرد. دامنه ای از مردم می توانند نقش آفرینی عمده داشته باشند و در این دامنه اقتصاد خرد و این محورها و مولفه هایی که مردم مخاطب آن هستند و بدنه مردم هستند توام با انگیزش و شوق دادن و حرکت دادن، حس دادن برای حرکت و اقدام، که یک رزمنده بیاید به میدان عرضه اقتصاد حضور پیدا کنند. اینجوری باید ما مساله را بیان کنیم و شرح دهیم که منجر به عمل شود. فقط به گفتن اکتفا نکنیم، طوری نباشد که فقط بگوییم اگر از همه امتحان بگیریم همه بلد هستند، بگوییم راه افتاده اند، چقدر اشتغال ایجاد شد در اثر گفتار ما، چقدر کار ایجاد شد، چقدر مشکلات الگوی مصرف حل شد، یقینا اتفاقاتی می افتد، بالاخره بسیج وقتی دارد وارد عرصه می شود





این انتظارات از او هست. اینجا میدان جنگ است، اینجا ما الان در گیر جنگ اقتصادی هستیم به طور کامل، از همه ابزارش دشمن دارد استفاده میکند که ما را زمین بزند. همه استعدادهایش را بکار گرفته و هیچ شوخی هم ندارد. همانطور که در جنگ جنگیدیم باید اینجا هم بجنگیم. تئوری جنگ را بلد باشیم خرمشهر آزاد نمی شود، حالا ما هر چقدر بلد باشیم تاکتیک چیست؟ استراتژیک نظامی چیست؟ سلاح ها را چطور بکار می گیرند، توپخانه چطور شلیک می کنند، چطور نقطه یابی بکنیم، چطور دیده بانی بکنیم، اگر تئوری بلد باشی خرمشهر که آزاد نمی شود، فتح المبین که ایجاد نمی شود، بستان که آزاد نمی شود، برای اینکه اینها آزاد بشوند باید عمل کنی. فلذا تصور نکنیم که مثلا می خواهیم توحید، معاد، نبوت و اصول دین بگوییم بلکه می خواهیم یک طرح عملیاتی را بدهیم تا بچه ها بروند وارد عملیات شوند. نمی خواهیم یک اصول اعتقادی و باوری را بگوییم. بلکه یک طرح و برنامه اجرایی را می خواهیم شرح بدهیم و انگیزه و روحیه بدهیم تا بیایند در عمل. این مساله خیلی مهم است. تاکید بر این مطلب می شود همه این را بدانند.

فلذا بحث ما باید توام با مثال های عملی باشد. مسائل زنده باشد، دوستان بعضی اوقات می گویند شما چرا نسبت به مثال ها حساس هستید، فقط تئوری مطلب را بگویید. ولی این مثال ها مهم است و باید به مخاطب نمونه عملی نشان داده شود. اگر می شود سرگروه ها بیایند و اینها را ببینند، اگر بشود سرگروه حلقه های صالحین، افراد را ببرند تا یک کارگاهی که در آنجا کارآفرینی و تولید شده را از نزدیک ببینند. ما باید تا آنجا پیش برویم و اگر مهارت افزایی لازم است برای اینها آموزش های تخصصی در رشته ای که می توانند فعالیت کنند بگذاریم.





حالا ما از کلیات بیاییم بیرون و در خود این محورها و مولفه ها از این فرصت که داریم یک استفاده خوب و بهینه بکنیم، ببینید این مولفه های اصلی که از فرمایشات حضرت آقا استخراج میشود و در هئیت گفتمان ولایت و تبیین اندیشه ولایت استخراج کردیم و محور ها را بیرون آوردیم اینها چه هستند:

## ۱- تقویت فرهنگ کار و تولید

کار ارزش است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم کف دست های کارگر را می بوسید آنجا که دست فرد زبر است، وقتی به او دست می دهند می فرمایند که چرا دستت زبره؟ او توضیح میدهد که من با این دست ها طناب میکشم و بیل میزنم و بعد (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «که این دست ها هیچگاه آتش جهنم را لمس نخواهد کرد.» اینقدر ارزش دارد کار کردن. اشاره به هیچ عنصر دیگری نمی کنند پیامبر عظیم الشان اسلام، طبعاً طرفشان مسلمان و مومن بوده اما دیگر به هیچ عنصر دیگری اشاره نمی کنند. بله کار کردن دست ها را از آتش دور می کند.

فلذا این کار اهمیت دارد ارزش دارد. الان همه فکر می کنند کار یعنی پشت میز نشستن، افتخار این است که ما اصلا کار نکنیم یک پولی داشته باشیم در بانک و دائم زیاد شود، سود بیاید روی آن پول یا یک زمینی بخریم قیمتش برود بالا. مثلا این خیلی هنر است؟ هنر این نیست. هنر این است که انسان از دست رنج بازوهای خودش، قوت خود را در بیاورد. یک حالت اضطراری است که کسی نتواند به خاطر یک شرایط خاصی، زحمت جسمی و بدنی به خود بدهد برای کار و تامین قوت خودش.





خوب در این زمینه تا شما بخواهید روایت داریم برای اهمیت کار. حدیث داریم و خود امیرمومنان علیه السلام، پیامبر عظیم الشان اسلام چقدر کار می کردند. در گروه هایی که می رفتند در جنگ ها در سفر ها ... کار می کردند مثل بقیه؛ پیامبر عزیزی که اشرف مخلوقات است. حالا بعضی ها یک انحرافات را وارد کرده اند مثلا یک حرف های بی ربطی را نسبت می دهند که ارزش در این است که ما چون مسلمان یا مومن یا مثلا بعضی ها حرفهای افراطی می زنند که ما چون شیعه علی بن ابی طالب علیه السلام هستیم پس قوت ما را خدا می رساند یعنی اصلا ارزش این است که ما بنشینیم. اما ائمه کار می کردند و بیل



اقتصاد مقاومتی، اقتصاد ریاضتی نیست. اقتصاد مقاومتی اقتصاد زنده، رو به جلو و رشد یابنده است. اقتصاد مقاومتی پاسخ به این سوال است که چگونه می توان در شرایط فشار و تهدید، رشد اقتصادی را ادامه داد و وضعیت رفاه مردم را بهبود بخشید؟



می زدند، کلنگ می زدند. خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام اینجور نبوده که فقط بنشینند و بخورند و دیگران بروند کار کنند. این خیلی روایات داره، آیات داره، احادیث داره، عزیزانی که می خواهند بروند متن تهیه کنند و برای این که ببیند که چه باید بگویند، باید از این آیات و روایات و احادیث استفاده کنند. در مورد ارزش کار، روایات خیلی زیادی داریم، "الکاد لعیاله کالمجاهد فی سبیل الله" کسی که برای خانواده اش کار میکند مثل مجاهد در راه خداست یا کسی که در این راه از دنیا برود شهید است یعنی خیلی عبادت است. باب بزرگی







از این روایات است که میشود همه را آورد و مثال های دیگر که کار کردن را ارزش می داند. خب متاسفانه تنبلی و رخوت و نشستن و منتظر بودن یک فرهنگ غلط است خیلی جا ها می بینید که افراد می نشینند، قلیان می کشند و در قهوهخانه ها ساعت ها می گذارند. درحالی که افراد باید حرکت کنند برای اقتصاد.

اقتصاد مقاومتی، اقتصاد ریاضتی نیست. نمی گوید که آقا نخور، هزینه نکن، دست به هیچی نزن. اقتصاد ریاضتی یعنی همین کاری که غرب دارد انجام می دهد. می گویند مالیات را اضافه می کنیم، از مردم بیشتر می گیریم، خدمات هم کاهش می دهیم، می شود اقتصاد ریاضتی.

اقتصاد مقاومتی اقتصاد زنده، رو به جلو و رشد یابنده است. اقتصاد مقاومتی پاسخ به این سوال است که چگونه می توان در شرایط فشار و تهدید، رشد اقتصادی را ادامه داد و وضعیت رفاه مردم را بهبود بخشید؟

می خواهیم به این سوال پاسخ بدهیم، یکی از کلید های آن کار است، تنبلی بد است. چقدر ما در مورد بد بودن و زشتی رخوت و تنبلی حدیث داریم، همه اینها را می شود ردیف کرد اسنادش را ارائه کرد. از زبان بزرگان تفاسیری که روی این احادیث گذاشته شده است می توان به عنوان فصل مهمی از اقتصاد مقاومتی بیان کرد که ما بتوانیم حرکت در بیاوریم و جامعه را برای کار کردن و ارزش بودن کار فرهنگ سازی کنیم.

## ۲- اصلاح الگوی مصرف و پرهیز از اسراف

این موضوع مستندات خیلی روشن از قرآن دارد، جاهای مختلف روایات بسیار زیاد دارد و میشود به اینها استناد کرد و مطرح کرد و ضرورت آن را بیان کرد.





هم بحث های منطقی و استدلالی دارد و هم بحث های روایی و حدیثی و هم ریشه اصلی و مستقیم از قرآن دارد. اصلاح الگوی مصرف یکی دیگر از مطالب مهم است. خیلی از مصائبی که امروز بشر گرفتار آن است- در محیط زیست و ... - به خاطر افراط در مصرف می باشد. اگر ما متعادل از ذخایر و خزائن الهی که در اختیار ما قرار داده شده استفاده کنیم طبیعت هم توازن خودش را حفظ می کند و به اصطلاح عنصری که ما بهره برداری می کنیم، جایگزین و مرتب می شود و ما باز هم می توانیم بهره برداری کنیم. اما آن چیزی که امروز محیط زیست را بهم زده، بشر را اساسا در معرض نابودی کامل قرار داده و همه حیات با خطر آن تهدید می شود این اسراف می باشد، یعنی بیش از اندازه مصرف کردن و یا تذبذیر به معنای ریخت و پاش که این هم دیگر توضیح نمی خواهد. در سال اصلاح الگوی مصرف کتاب های مختلفی نوشته شده، خود بسیج کتابی در این زمینه نوشته، کسانی که می خواهند برای این مطلب، متن و محتوا تهیه کنند می توانند رجوع کنند به این کتاب اصلاح الگوی مصرف که تولید سازمان بسیج است و جاهای مختلف دیگر که در این زمینه خیلی کار کردند .

یکی از روسای شورمان رفته بود به چین، هنگام شام با رییس جمهور چین، دو تا برنج از بشقاب افتاده بود بیرون، رییس جمهور برداشته و خورده بود و گفته بود اگر هر چینی دو تا برنج از ظرفش بیافتد و نخورد- ضرب و تقسیم کرده بود- که چند تن برنج از بین می رود. این یک واقعیت است. حالا ببینید ما چه می کنیم شما بروید شبها در تالارها و مجالس عروسی و ولیمه حاجی ها ببینید چه خبر است؟ چقدر غذا دور ریخته می شود؟! چه کسی اینها رو جمع میکنه؟! چه کسی دقت میکنه که بیشتر تولید نشه و بعد اگر تولید شه به مصرف برسه و به نحو





شایسته استفاده بشه؟!

چراغ های زیاد، الان در همین جلسه ما چقدر چراغ روشن هست و کمتر از این همیشه جلسه رو اداره کرد؟! چرا با نصف این هم میشه. یعنی اینها سبک هایی است که اومده وارد زندگی ما شده. یک خانه در شب با اینکه هیچ یک نمی خواهند مطالعه کنند و می خواهند صرفاً غذا بخورند یا همان خانواده بنشینند تلویزیون تماشا کنند، با بچه بازی کنند، داستان برای هم تعریف کنند با یک لامپ معمولی، روشنایی آنها کفایت می کند. حالا می خواهد مطالعه کند، خُب چراغ مطالعه روشن کند. اما حالا هر جا می روی می گویند آقا دلم گرفت این چراغ را روشن کن، چقدر اینجا تاریک است. خب چه خبره؟ خود ما در اتاق، بالای سرمان رو روشن می کنیم و چراغ های دیگه را خاموش می کنیم. می گویند چقدر اینجا دلگیر و تاریک است. چشمتان اذیت نمی شه؟ خب چه ایرادی دارد بالای سر من روشن باشد و دیگر جاها تاریک باشد.

چرا ما باید این طور مصرف کنیم در هر جایی از غذا، پوشاک، هزینه برق و گاز و...؟! در خونه های مان در زمستان با آستین رکابی راه می رویم در مقابل گاز و بخاری و شومینه روشن است. در تابستان کولر روشن می کنیم پنجره رو باز می گذاریم. یعنی چی؟ این ها یکی از مشکلات داشتن زیادی است، یعنی ثروت زیادی که ملت ایران دارند یکی از ضربه هایی که می زند مصرف گرایی زیاد و افراطی است. ما در خیلی از جاهای دنیا که رفتیم و دیدیم، شبها پشت پنجره ها رو کپ می کنند و وقتی همه خانواده آمدن خانه و درب خانه قفل شد سیستم گرمایشی را خاموش می کنند، دیگر نزدیک صبح که میشود می لرزی، با پتو و ... خودشون را گرم می کنند.





یا مثلاً یک ظرف نفت را که ریختند در بخاری، دیگر نفت نمی ریزند و یا مثلاً تا ساعت یک شب بخاری روشن است گرما می دهد و بعد خودش خاموش می شود و باید زیر پتو گرم بمانی. اصلاً اینطور نیست که تا صبح بخاری را روشن بگذارند. ما ها خیلی راحتیم با آستین رکابی و زیر پیراهن می گردیم، و بخاری هم روشن است، گاهی اوقات پنجره هم باز است تا هوا عوض شود. یعنی خیلی اسراف برای ما عادی است.

اسراف آب، گاز، برق، اسراف در غذا، چندین مدل غذا های آنچنانی با مدل های رنگارنگ و بعد دور ریزها، خیلی اسراف متاسفانه بالاست. در صورتی که خیلی صراحت دارد قرآن بر ردّ اسراف. خب این باید تبیین بشود و مثال های آن زده



بیکاری زمانی حل می شود که ما کالای داخلی را مصرف کنیم که نیاز به تولید داشته باشد، کارگر حرکت کند، نیاز به شبکه توزیع داشته باشد، یک کسی مواد اولیه بیاورد، یکی تولید کند، یکی توزیع کند و اگر از خارج کالا بیاید، بیکاری روز به روز اضافه می شود.



بشود، خواسته شود که ما الگوی مصرف خود را اصلاح کنیم، کاهش دهیم. سر ماه بیاییم اندازه بگیریم و بگوییم این ماه برقرمان اینقدر شده است.

یکی از دوستانمان از کشوری آمده بود می گفت شبها که ما اینجا راه می رفتیم می دیدیم که همه خانه ها خاموش هستند و بعد متوجه شدیم اینها رسمشان





است که فقط با همان روشنایی تلویزیون در حال خانه شبها زندگی می کنند برق آن کشور گران است و با همان روشنی تلویزیون جابه جا می شوند، غذا می خورند، رفت و آمد می کنند، مگر آنکه بخواهند مطالعه کنند اصلا چراغ روشن نمی کنند ساعات اولیه شب فکر می کنی همه خوابیدند چون شهر خاموش است در صورتی که نخوابیده اند و بیدار هستند.

ما اینجا نعمت‌مان زیاد است، خُب بیاپییم ماه به ماه حساب کرده و کنترل کنیم ببینیم چقدر این ماه مصرف کرده ایم؟ کجایش را می توان کاهش داد؟ و چطور می شود کنترل کرد و به حداقل رساند و بهینه کرد و به حد معقول و منطقی رساند؟ نمیخواهیم بگوییم که ما مصرف نکنیم ولی مصرف معقول و منطقی. اسراف نکنیم. در این مساله خیلی صحبت شده و حضرت آقا یک سال را به این نام گذاشته اند.

### ۳- «حمایت از تولید ملی» که مخاطبش مردم هستند

این مساله بسیار کلیدی می باشد خصوصا امروز در جامعه ما عمده ترین مشکل بیکاری است. الان شما در هر استانی بروی مشکل اول «بیکاری» است و هیچ مشکلی بالاتر از بیکاری نیست. این بیکاری باید چطور حل بشود؟ وقتی ما کالای خارجی را مصرف می کنیم، می شود بیکاری حل گردد؟ نه. کارگر خارجی شاغل می شود، آدم ایرانی هیچ. چه کار کند؟ تولیدی ندارد، کاری ندارد که تولید کند و یا اشتغال پیدا کند و آنهایی هم که الان شاغل هستند هم بیکار می شوند. وقتی جنس از خارج می آید آنهایی که الان شغل دارند هم بیکار و ورشکست





می شوند. فلذا ما باید یک مقدار در این مساله تعصب نشان دهیم. این مساله را باید ابتدا تبیین کنیم، برای جوان ها، برای مردم بگوییم که بیکاری مشکل است برای شما یا نه؟ اگر نیست که هیچ. اما همه می گویند که هست، هر جمعی که بروید در خانواده خودشان یا همسایه شان یک بیکار است. آقا بیکاری برایتان مشکل هست یا نیست؟ اگر نیست که به سلامت و اگر هست چطور باید حل شود؟ شما اگر کالای خارجی مصرف کنید بیکاری حل می شود یا بیکار اضافه می شود؟ بیکاری زمانی حل می شود که ما کالای داخلی را مصرف کنیم که نیاز به تولید داشته باشد، کارگر حرکت کند، نیاز به شبکه توزیع داشته باشد، یک کسی مواد اولیه بیاورد، یکی تولید کند، یکی توزیع کند و اگر از خارج کالا بیاید، بیکاری روز به روز اضافه می شود. خب بعضی ها ممکن است بگویند قطعات هواپیما اف ۱۴ و... ما آنها را هم که درست کردیم، پیچیده ترین ها را درست کردیم. ما نمی خواهیم بگوییم چرا قطعات اف ۱۴، قطعات بوئینگ و... شما از خارج وارد کردید؟ مثلا همین شکلات، اسباب بازی، عروسک، توپ، میوه، آرمیوه و... خب یعنی چی ما این ها را از خارج می آوریم؟ باید مصداق هایش را به مردم بگوییم. آقا چرا در برنامه های بسیج که می رویم آب آناناس می دهند؟ مگر در ایران آناناس تولید می شود؟ این شکم مان چی میشه به جای آب آناناس، آب سیب بخورد، آب انگور بخورد، چرا باید آب آناناس بخوریم؟! چرا باید موز بخوریم؟! مثلا چای که می خوریم، نوشیدنی است که مال خودمان است، شربت آلبیمو بخوریم، شربت آب پرتقال بخوریم، شربت آلبالو بخوریم. چرا باید قهوه بخوریم که از خارج وارد میشه؟! چون در ایران تولید نمی شود. نسکافه بخوریم ضرورتش چیست؟ می میریم اگر نخوریم؟ همه اینها را شما بگذارید روی هم، چندین میلیارد دلار واردات می شود.





اسباب بازی، میوه جات، تنقلات، شیرینی جات، البسه ای که تولید داخل میشه، کفش و کلاهی که هست، دفتر و مداد رنگی؛ همه اینها تولید داخل میشه و اینجا مطلبی است که ما وقتی می آییم وارد بحث می شویم و در بحث های دیگر، می بینیم تمام اقشار بسیج می توانند مخاطب ما بشوند هیچ قشری بیرون از این نیست.

مهمتر از همه در اقتصاد مقاومتی در بعد اقتصاد خرد ۷۰ درصد مساله در دست خانم ها می باشد یعنی اگر خانم ها خوب توجیه بشوند، الگوی مصرف در خانه، مصرف کالای خارجی یا ایرانی، می خواهیم جنس بخریم چه چیزی بخریم، دانش آموز می خواهد پدرش برایش دفتر و کیف بخرد چه بخرد؟ خب بگوید من ایرانی می خواهم. توجیه کنیم



"بازار ناموس اقتصاد کشور است" یعنی کسی که بخواهد از اقتصادش با غیرت و تعصب دفاع کند، بازارش را به هر کسی نمی دهد، دست نامحرم نمی دهد، بازار را نباید به هر کسی داد، بایستی مواظب بازار باشیم.



دانش آموزان را چون می توانند نقش آفرینی کنند. استاد دانشگاه می تواند نقش آفرینی کند، پزشک می تواند در دادن دارو و سفارش هایی که به بیمارش می دهد نقش آفرینی کند. کارگر در تولید با کیفیت کالا نقش آفرین است تا مردم به کالای ایرانی دلگرم بشوند و احساس نکنند این جنس ایرانی بی کیفیت است مهندس در همین قضیه می تواند نقش آفرینی کند، استاد دانشگاه و مهندس



در ارتباط با صنعت و دانشگاه می توانند خیلی از کالاهایی که از خارج وارد می شود را تولید داخلی کنند و نقش آفرینی کنند، تمام اقشار حتی کشاورز نقش آفرین است مثلاً همین که کشاورزان ما قانع باشند در این شرایط که حساس است به جای اینکه کالایی که مقداری ممکن است زودتر به دست بیاید مانند هندوانه و خربزه، در آنجایی که امکانات و آب و زمین هست تا آنجایی که می شود محصولات استراتژیک را تولید کنند. اینها مخاطبش مردم هستند.

الان ما کارخانه روغن داریم که در سال ۷۵۰ هزار تن می تواند سویا مصرف کند که در حال حاضر ۲۵۰ هزار تن به او محصول می دهند و ۵۰۰ هزار تن ظرفیتش خالیست در نتیجه باید از خارج روغن وارد کنیم، از خارج باید کنجاله وارد کنیم، چون تفاله آن را پس از روغن گیری به مرغ می دهند که آن را هم باید وارد کنیم. در صورتی که ما می توانیم با جهت دادن در محصولاتمان نقش آفرینی کنیم.

کشاورز، کارگر، مهندس، دانش آموز، استاد، زن ها، مردها و همه می توانند در این موارد نقش آفرینی کنند که تولید ما تولید داخلی باشد و مصرف ما مصرف داخلی باشد. باید جلوی این تبلیغات بی رویه که متأسفانه درب و دیوار و فضای شهر را پر کرده است بایستیم، اعتراض و مخالفت کنیم. شما ببینید در بعضی کشور ها چه می کنند؟ در همین کره جنوبی که به راحتی در و دیوار های ما را اشغال کرده و تبلیغ محصولات خودش را می کند، وقتی دولت تصمیم می گیرد که از آمریکا گوشت وارد کند، دامداران می آیند جلوی وزارتخانه کشاورزی، خودشان را آتش می زنند و واقعا یک نفر آنجا کشته می شود. این جوری اعتراض می کنند، تظاهرات چند ده هزار نفری و صد هزار نفری در پایتخت می کنند که مثلاً گندم را که ما داریم، چرا وارد می کنی؟ برنج را که ما داریم چرا وارد می کنی؟ اعتراض







می کنند.

ما خیلی راحتیم با واردات. خیلی راحت. فرهنگمان جوری القاء شده که هر چی از خارج اومد خوبه و هر چی در داخل است بد است. حجاج ما می روند در حالیکه چقدر حضرت آقا نصیحت کردند که نروید و از همین جا سوغاتی بخرید. آیا همه گوش می کنند؟ وقت طلایی را که باید رفت مسجد الحرام و مسجد النبی زیارت کرد- که یک دقیقه آن اصلا قابل ارزشگذاری نیست که بگوییم چقدر می ارزد- به بازار می رود و چندین ساعت در بازار چانه می زند که یک مشت آشغال و یا اقلام دیگری که می آورد اینجا، مثل تسبیحی که تا میگی سبحان الله بندش پاره می شود و دوام آن به یک روز هم نمی رسد.

اینهارا باید تبیین کرد و مثال هایش را آورد که چرا ما باید کالای خارجی وارد کنیم؟ چرا؟ گل های تزئینی و گل پلاستیکی برای چی باید از خارج بیاید؟ می میریم... مشکلی پیش می آید... خب نخرید. بگویید ما داخلی اش را می خواهیم. من شاید به شما گفته باشم با تعدادی از تاجران جلسه گذاشته بودم درباره قاچاق کالا، یک تاجری که قاب تولید می کرد در جلسه گفت: «من به فرانسه رفته بودم و دیدم مثل همون قاب رو داره و عین همون رو تولید می کند اما قیمتش ۵ برابر قیمت من هست. گفتم من ۲ برابر ارزانتر از این به شما می دهم، می خرید؟ گفت برای کجا هستید؟ گفتم برای ایران. گفت: این جنس فرانسوی را من می خرم چون کارگر فرانسوی مشغول کار می شود که اگر از تو بخرم کارگر ایرانی مشغول کار می شود. من که وظیفه ام این نیست که کارگر ایرانی مشغول کار شود.» یعنی مغازه دار که باید وقتی کالایی به نفعش هست از تو با قیمت خیلی ارزان تر بخرد اما می گوید اشتغال جوان مملکت مهم است. بالاخره این ها برایش تفهیم شده است.





ما نباید بی خیال باشیم و بازارمان را به راحتی در اختیار هر کسی قرار بدهیم. یک جمله ای من عرض کردم اما بعد یک سری ها اعتراض کردند و آن اینکه "بازار ناموس اقتصاد کشور است" یعنی کسی که بخواهد از اقتصادش با غیرت و تعصب دفاع کند، بازارش را به هر کسی نمی دهد، دست نامحرم نمی دهد، بازار را نباید به هر کسی داد، بایستی مواظب بازار باشیم. هر چیزی به بازار ما می آید تا پولهای مان را ببرند و جوانهای مان را بیکار بکنند. این مساله، مساله بسیار مهمی است.

ما بدون این که کوچکترین آخی بگوییم و اصلا حس نکنیم که کوچکترین اتفاقی افتاده است، ۱۵ میلیارد دلار از ۶۴ میلیارد دلار واردات کالایی را که در کشورمان است می توانیم کم کنیم. من از روی فهرست می توانم به شما بگویم چه چیزهایی را اگر وارد نکنیم هیچ اتفاقی در مملکت نمی افتد و آب از آب تکان نمی خورد و هیچ کمبودی هم احساس نمی شود. ۱۵ میلیارد دلار، می دانید یعنی چند تا شغل؟ این یعنی ۳ میلیون شغل، یعنی همه بیکارهای ایران بروند سر کار و به هیچ جایی بر نخورد و چیزی نیست که اگر نباشد کمبودی احساس گردد و یا چیزی متوقف شود و یا مرغ تولید نشود و یا ماشین تولید نشود. نه، هیچ اتفاقی نمی افتد و همان مثالی که برای شما زدم. ماشین، عروسک، اسباب بازی، گل مصنوعی، بادبادک. میوه، شکلات، چوب بستنی.

در سال گذشته ۴۰ میلیون یورو چوب بستنی وارد شده به این کشور در سال گذشته. ۴۰ میلیون یورو، یعنی ۱۰۰ میلیارد تومان چوب بستنی وارد شده است واقعا لازم است؟! خوب می رفتید چوب پلاستیکی می زدید. می مردید؟! این ها واقعیت داره و می شود ۱۵ میلیارد دلار چیزی که می شود وارد نکرد، همه ما





داریم فقط وارد می کنیم و مصرف می کنیم. از کجا؟! از آلمانی که دشمن ماست، توهین به پیغمبر ما می کند. آخر غیرت هم خوب چیزی است. ما اگر وقتی می رویم خرید از مغازه ی سر کوچه که خیلی هم به خانه ما نزدیک تر است به ما و ارزان تر هم می دهد، یک فحش ناموسی بدهد دیگر نمی رویم آنجا و از او خرید نمی کنیم. بلکه دو تا کوچه بالاتر می رویم.

چطور ما راضی می شویم کسی که توهین می کند به پیغمبرمان، برویم ۴۰ میلیون یورو چوب بستنی از آنجا بیاوریم؟! چطور غیرت ما اجازه می دهد؟! خب نباید این کار را بکنیم. مشخص است که پررو می شود، باز هم توهین می کند، میگویند اینها که حالیشون نیست، می گن پول باید به من برسه که می رسه و بعد ما افتخار هم می کنیم و می گوئیم علی رغم تحریم ها، مبادلات تجاری ایران و آلمان افزایش یافت. فکر کردی کار خوبی شده که افزایش یافته است؟! خب اینها را باید مردم بدانند و موضع بگیرند. واقعا همه بیاییم آنها را تحریم کنیم و آن بستنی فروش که می رود چوب از آنجا می آورد باید اعلام کنیم بستنی او را تحریم کنیم و نخوریم و هر وقت رفت چوب ایرانی زد ما بستنی می خوریم. دنیا چه ارزشی دارد که بستنی که در آن هیچی نیست و ارزشی ندارد ما بخواهیم خفت و خواری را تحمل کنیم و از کشوری که با ما دشمنی می کند، ما را تحریم می کند، تهمت می زند، سفارت خانه تعطیل می کند، جاسوسی می کند، خرابکاری می کند، فتنه ۸۸ راه می اندازد، توهین به پیغمبرمان می کند و همه کار می کند؛ آن وقت ما برویم از آن جنس وارد کنیم و کارخانه هایش را به گردش درآوریم خصوصا در این شرایط. باور کنید که دو تا حرکت بشود آنها می مانند. شما الان فکر می کنید کانادا که سفارتش را بست چقدر وارداتش به ایران کم شد؟ هیچی. فرانسه که



توهین کرد چی؟ هیچی. کدام شرکت تعطیل شد؟ این شرکت ها که لوازم خانگی فرانسوی می فروشند آیا یک دونه آنها تعطیل شدند؟ و بگن که ما دیگر از فرانسه وارد نمی کنیم؟! بسیج اصناف نمی تواند این کار را انجام دهد؟ بگوییم شما که فلان مارک فرانسوی داری، آنها توهین به پیغمبرت کردند، بگو من دیگر جنس فرانسوی وارد نمی کنم. باور کنید دو تا از این کار ها بشود دیگر توهین نمی کنند و غلط می کنند توهین کنند. اینها می بینند که میدان باز است و هیچ کاری ما نمی کنیم، در نتیجه رویشان زیاد می شود چرا که در قبال تحریم آن ها، ما تحریم نمی کنیم و کیف می کنیم که مبادلاتمان با آن ها افزایش یافته، بی خود افزایش یافته. اینها چیزهایی است که باید گفت و حس داد به جامعه که بیابند موضع بگیرند مقابل کالا های خارجی، برود در مغازه و بگوید من کالای ایرانی می خواهم



ظرفیت های بی نهایت در کشور ما موجود و در دسترس است  
برای کار کردن، برای اشتغال، برای تولید.



و اگر جنس خارجی بهتر بود باز هم بگوید من جنس ایرانی می خواهم. اصناف ما بدانند در توزیع، کالای ایرانی را ببرند بالا و به مشتری توصیه کنند و بگویند آقا این را بخرید. بسیج اصناف چه باید بکند؟ همین کار را باید بکند.

#### ۴- استفاده حد اکثری از همه ظرفیت ها

ظرفیت های بی نهایت در کشورمان وجود دارد. بعضی ها می گویند در شعب ابیطالب هستیم، می خواهند بترسانند مردم را و تسلیم شوند. اگر شعب ابیطالب





هم بشویم یعنی یک سرزمین بی آب و علف که یک علف هم در آن سبز نمی شود یعنی ریگ و سنگ مثل کویر لوت که شده شعب ایطالب، نه رودخانه ای دارند که بکارند نه انبار غذایی و هیچی ندارند، تکلیف ما چیست؟ اگر مسلمانیم باید راه پیغمبر را برویم و بگوییم مثل پیغمبر مقاومت کنیم، پیغمبر مقاومت کرد. مگر پیغمبر تسلیم شد؟! و در آنجا که آنها را در یک زمین ریگ و سنگ محدود و محصور کردند، پیغمبر مقاومت کرد تا بالاخره دشمن شکست خورد و تسلیم شد البته با امداد الهی، اما تسلیم نشد و بالاخره دشمن تسلیم شد. حالا بگوییم شعب ایطالب است؟!!

یک میلیون و ۷۸۰ هزار کیلومتر مربع زمین داریم با این همه آب که به اندازه ۱۵۰ میلیون نفر می توانیم غذا تولید کنیم و بخوریم. اگر تمام مرزهای ایران را آدم بچینند و نگذارند که هیچ ایرانی نه چیزی بیرون ببرد و نه چیزی به داخل کشور بیاورد. آب داریم. بیل هم داریم که بتوانیم زمین را بکنیم، بکاریم و غذا بخوریم. اینجا که شعب ایطالب نیست. ظرفیت های مان را باید شناسایی کنیم. خیلی از ظرفیت ها بلا استفاده هست و خیلی از ارزش هایی که ما داشتیم را الان کنار گذاشتیم. تولید ارزش است. یک خانم در خانه ۲ تا میله بافتنی داشت این کارخانه بود. نزدیک به ۲۰ میلیون خانوار الان در ایران هستند، اگر سالی یک عدد کلاه یا شال گردن ببافند می شود ۱۷ میلیون کلاه، ۱۷ میلیون شال گردن. همه ژاکت های ما بافتنی بود و الان منسوخ شده. خانم داشت برای بچه اش قصه تعریف می کرد و یا مثلاً به بچه اش دیکته می گفت و یا تلویزیون نگاه می کرد و این دستش هم کار می کرد و نخ ها را به هم می زد، می شد کلاه، شال، جلیقه. بدون کارخانه و مواد اولیه؛ یا انرژی مصرفی آن چقدر می شود؟ از کجا می آید؟ بارش چه می





شود؟ فقط با دو تا گلوله نخ. تمام این ظرفیت بلا استفاده است در حال حاضر. در گوشه حیاط خانه های مان مرغ داشتیم و همین ته مانده سفره را می گذاشتیم جلوش، پوست خربزه، هندوانه، پوست خیار را خرد می کردیم و یا آشغال سبزی خوردن و سبزی آش را می گذاشتیم جلوی این مرغ ها و می خوردند و به ما تخم مرغ می داد، گوشت می داد. خب الان همه این ها منسوخ شده است و این خیلی بد است. سگ نگه داشتن در خانه خوب شده ولی حالا مرغ و خروس نگه داشتن زشته. چرا؟ این ظرفیتی است که دارد هدر می رود.

الان در همین پادگان ما اگر شما ۴۰۰ کندوی عسل بگذارید گل و چیز هایی که زنبور نیاز داره شیره آن را بمکد و عسل تولید کند هست خوب این ظرفیت است که بلا استفاده می باشد. این ظرفیت باید استفاده شود. حالا رایج شده از رودخانه ها آمده اند انشعاب می گیرند در مناطق کوهستانی و حوضچه می زنند تا ماهی پرورش دهند. در حالی که ۱۰ سال پیش، از این ظرفیت هیچ استفاده نمی شد همین رودخانه ها بودند همین الان هم صد ها رودخانه هستند که استفاده نمی شوند. یک انشعاب آب که بعد بر می گردد سر جایش و هیچ اتفاقی هم نمی افتد. فقط ۲ تا حوضچه می خواهد که بغل آن ماهی پرورش داده شود.

ما در کشورمان ۲۵۰ هزار چاه رسمی داریم که جواز دارند و همان طور که آقایان کشاورزی می گویند ۷۵۰ هزار چاه کشاورزی غیر رسمی داریم، یعنی یک میلیون چاه و از این یک میلیون چاه می گوئیم ۷۵۰ هزار حلقه، آب آن آهک و گچ دارد و ماهی نمی تواند در آن تنفس کند و... اگر ۲۵۰ هزار حلقه دیگر مفید باشد برای پرورش ماهی یک حوض بگذارند زیر آن و بچه ماهی بریزند زیر آن، ۲-۳ میلیون تن ماهی در سال می شود پرورش داد و این ها ظرفیت است. ظرفیت تولید غذا





است و شما هر چقدر بخواهید از این مثال ها هست. از شمال خوزستان راه بیفتید بروید تا انتهای اروند تا نهر قمیجه، هزاران برکه و نهر در آنجا آب شیرین هست اما شما ببینید چقدر گاز و اردک در آنجا هست؟! چند میلیون قطعه گاز و اردک می توانند در همین برکه ها و نهرهای منشعب از کارون، کرخه، اروند و بهمن شیر بچرند و هیچ هم مصرف نمی خواهند یعنی هیچ غذایی نمی خواهد به آنها بدهی بلکه در همین علف ها و نیزارها بچرند و به شما گوشت بدهند، تخم بدهند. این ها ظرفیت است و ما سریع می رویم سراغ صنعت مرغ داری. یک صنعت وابسته



این اعتماد به نفس، ظرفیت های ناشناخته را که در وجود ما هست بکار می اندازد و انسان در شرایط فوق العاده، کارهای عجیبی از او سر می زند.



درست کرده ایم و این که دانه آن از کجا بیاید؟ واکسن آن از کجا بیاید؟ تخم آن از کجا بیاید؟ در صورتی که به راحتی می شود که هر خانوار در آن منطقه ۵۰ تا ۶۰ تا غاز و اردک در خانه اش داشته باشد صبح ها در برکه رهایش کند و شب راهی لانه اش کند و تخم مرغ و گوشت خودش و چند خانوار اطرافش را تامین می کند. از این ظرفیت ها ما کم نداریم. از این ظرفیت ها ما زیاد داریم. و اگر شما یک زیر زمین نمور داشته باشید- یعنی نمناک- که پر از سوسک باشد، کافی است تمیزش کنید و ضد عفونی بکنید، در ۱۵ متر زیرزمین نمناک خراب که رهایش کرده اید و توجه به آن نمی کنید ۶ میلیون تومان درآمد از راه تولید قارچ می توانید داشته باشید، در سال ۶ میلیون تومان سود. با چقدر کار روزانه؟ مثلاً شاید حداکثر ۲



ساعت کار روزانه. یعنی یک شغلی داری و ۲ ساعت وقت کافی است که بروید به آن قارچ ها سری بزنید و برداشت کنید و رطوبتش را حفظ کنید. ۶ میلیون تومان سود محاسبه شده است. خب ما چه می خواهیم؟ اینها ظرفیت هاست ظرفیت های بی نهایت در کشور ما موجود و در دسترس است برای کار کردن، برای اشتغال، برای تولید. خب اینها یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی می باشد که باید حواسمان جمع باشد. یکی از آقایان گفتند گرفتار بوده و بیکار بوده. بعد دیدیم سرحال و خوشحال است. گفتیم چه شده؟ گفت پاگرد پشت بام خانه را قفس و فنس کشیدم و مرغ های تزئینی پرورش می دهم و الان زندگی من می گردد. یک پاگرد پشت بام بلااستفاده. این را می گویند شناخت ظرفیت ها و بکارگیری آن ظرفیت ها.

اگر وارد کارهای بزرگ تر هم بشویم هست. این ها کارهای کوچک فردی بود. شما ببینید در کشور ما چقدر بئر در سال استفاده می کنیم؟ میلیون ها متر و شاید ده ها میلیون متر مصرف می کنیم برای تبلیغات، الان همه وارد می شوند. چرا؟ مواد اولیه این برای پتروشیمی خودمان است می گیرند می برند آنجا. یا نفت خام از ما می گیرند یا پتروشیمی ما را بئر می کنند ۵۰ برابر قیمت به خودمان می فروشند. یک بشکه نفت ۱۰۰ دلاری که به آن ها می فروشی؛ تبدیل می کنند به بئر، همان یک بشکه نفت ۱۵۰۰ دلار می شود و به ما می فروشند. چرا؟ ۱۰ نفر آدم عاقل جمع بشوند یک صنعت پایین دستی در کنار یکی از پتروشیمی ها بزنند و این کار را خودشان انجام دهند. این ها ظرفیت هایی است که در کشور ما هست، یعنی یک بازار مصرف بزرگ، یک بازار مصرف به این عظمت در دست شما هست، چرا نمی روید و سرمایه گذاری نمی کنید؟ این ها ظرفیت های بلااستفاده







ای است که اگر من بخواهم تا صبح میتوانم برای شما مثال بزنم. شما خودتان باید مثال ها را در بیاورید برای بچه ها در حلقه های صالحین بازگو کنید و با این مثال ها مردم را به حرکت در بیاورید و راه بیفتید.

## ۵- روح خودباوری و خوداتکایی

باور داشته باشیم که می توانیم. باور داشته باشیم، اعتماد به نفس داشته باشیم. شما نگاه کنید به صنعت دفاعی، واقعا حادثه ای مثال زدنی می باشد، در یک دهه یعنی دهه ۸۰ در صنعت دفاعی ایران معجزه شده است. چیزهایی که اصلا نبوده و علم اولیه آن هم بعضا نبوده در یک دهه ساخته شده است. زیر سطحی، ماهواره، ماهواره بر، بی سیم، انواع رادار، پیچیده ترین رادار هایی که فقط دو سه تا کشور در جهان فقط دارند، در همین ده سال ساخته شد. انواع موشک های ضد هوایی، ضد کشتی، زمین به زمین، اژدر و.... چطور این اتفاق افتاد؟ اول که آمدند در منطقه، نقشه جدید شان را اجرا کنند و به افغانستان حمله کنند دو اتفاق افتاد:

۱- **تهدید:** ایران را شدید تهدید کردند و همه احساس کردند همین امروز و فردا به ما حمله می کنند

۲- **تحریم:** سلاح به ما نمی دادند و بعد قطعات نمی دادند و در همین مرحله از سال ۸۰ آمدند مواد اولیه را هم تحریم کردند. یعنی گفتند آلومینیوم مثلا ۲۰، ۲۴ و یا فولاد فلان نوع و اینهایی را که در تسلیحات نظامی کاربرد دارد ممنوع کردند. سه کشور در دنیا تولید می کردند ممنوع است و به ایران به هیچ وجه نمی دهیم، فلان فلز با خلوص فلان،



فلان مواد شیمیایی و فلان چیز که کاربرد تسلیحاتی دارد همه رو ممنوع کردند و همین دو تا باعث شد که از تهدید و تحریم یک جهش درست شد، جهشی که فقط معجزه است، یعنی کسی بگذارد جلوی خودش لیست اتفاقاتی که در این ۱۰ سال افتاده، شگفت زده می شود که چطور این همه اتفاقات افتاده؟ خودرو ساخته



این مردمی کردن اقتصاد یعنی مردم بیایند در اقتصاد، سازماندهی کنند، موسسه راه بیاندازند تولید را رونق بدهند.



شده، بی سیم ساخته شده، اصلا ما بی سیم نداشتیم همه واردات بوده، خودروی تاکتیکی ساخته شده، موشک ساخته شده، کشتی و ناو جنگی ساخته شده، ناوچه جنگی ساخته شده، زیر دریایی ساخته شده، اژدر ساخته شده و همه چیز، بی سیم روی آب، بی سیم زیر آب، بی سیم توی هواپیما، رادار زمینی و ... هیچ کدام از این ها نبوده تا قبل از سال ۸۰، تهدید و تحریم. چون انسان یک انرژی هایی دارد که در شرایط ویژه اگر بخواهد می تواند از آن استفاده کند. انسانی که گرگ به او حمله می کند با سرعتی دو برابر سرعت قهرمان دوی جهان می دود، چون تهدید می شود و می خواهد جانش را حفظ کند. منتها زمانی که اعتماد به نفس داشته باشد، کُپ نکند، وحشت زده نشود، نگوید من تسلیم، و آقا گرگه بیا من رو بخور، اگه این جوری نبوده و اعتماد به نفس داشته باشد، باور کنید که قهرمان دوی جهان که ۱۰۰ متر را در ۱۰ ثانیه می دود، اگر به یک پیرمردی که همین الان بگویید بدود، می گوید من اصلا چه جوری بدوم؟ اگر گرگ او را دنبال کند او این ۱۰۰ متر را در ۸ ثانیه می دود، رکورد قهرمان دوی جهان را هم می شکند.





مساله، جان فرد است ولی اعتماد دارد و می گوید من می توانم خودم را نجات بدهم، تسلیم نمی شود. این اعتماد به نفس، ظرفیت های ناشناخته را که در وجود ما هست بکار می اندازد و انسان در شرایط فوق العاده، کارهای عجیبی از او سر می زند.

همین الان اگر به شما بگویند از این بالا بپر پایین، اصلا ممکن نیست. ولی اگر اینجا آتش زبانه بکشد و محاصره شده باشید و هیچ راهی نداشته باشید برای حیات از این بالا می پرید پایین و پای شما هم شاید پیچ بخورد ولی مشکلی نیست، یعنی در شرایط فوق العاده ظرفیت های ناشناخته اش شکوفا می شود. ما باید اعتماد به نفس داشته باشیم. این را باید بازگو کنیم و به جای اینکه منفعل بشویم، حرکت کنیم و از انرژی خود استفاده کنیم و ظرفیت های ناشناخته را بکار بگیریم و اعتماد به نفس داشته باشیم. این یک اصل است، روح خود باوری و خود اتکایی، و بدانیم که می توانیم.

بعضی از این مدل رادارهایی که ما ساختیم ما فهمیدیم که یکی از این کشورها دارد



مبارزه با مفاسد اقتصادی و مدیریت منابع مالی یکی از مسائل اقتصاد مقاومتی و از ارکان کار می باشد.



لذا ما را فرستادند آنجا و جلساتی داشتیم که شما این را به ما بدهید، اصلا انکار کردند و می خندیدند که همچنین چیزی که شما می گوئید امکان ندارد و محال است و تکنولوژی را انکار می کردند. ولی بچه های خودمان این را ساختند و عملیاتی



شده و تولید انبوه شده است، نه اینکه یک مدل آزمایشگاهی ساخته باشیم بلکه الان تولید انبوه در دست یگان ها است. یک ابرقدرتی، منکر این تکنولوژی شد که ممکن نیست و اصلا می گوید حرفش را هم نزنید و همچنین پدیده ای را نمی شود به وجود آورد؛ در حالی که بچه ها الان تولید کرده اند. می توانیم، واقعا می توانیم که این کارها را انجام دهیم، در صورتی که خود را باور کنیم، این مساله مهمی است.

## ۶- مردمی کردن اقتصاد

این محور خیلی به مردم و مخاطب های ما ربط دارد. اقتصاد نباید فقط دولتی باشد، مردم باید بیایند در صحنه، خب یک وقت ما به دولت انتقاد می کنیم که خصوصی سازی کنید.

اما وقتی مخاطب مردم هستند چه باید بگوییم؟ باید بگوییم مردم عزیز سرمایه خود را بردارید و بیاورید در تولید. خدای متعال می فرماید:

"الذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل اللّٰه

فبشرهم بعذاب الیم"

سوره توبه، آیه ۴۳

کسانی که طلا و نقره ذخیره می کنند و در راه خدا انفاق نمی کنند به عذاب دردناکی آنها را خبر بده. یعنی چی که ما در خانه هایمان طلا و نقره و ارز و...





ذخیره می کنیم؟! می گویند: آقا این سودش بیشتر است، زمین بخیریم قیمتش می رود بالا. خب حتما باید سودش زیادتر شود، خب اون سود به چه درد تو می خورد؟! بلاهایی که الان آمده چیزهای کمی هستند؟! این گرد و غبارها که آمده. هفته پیش ما در ایلام بودیم، دیدیم یک سری درخت های بلوط خشک شده اند. گفتیم چه شده؟ گفتند غبار می آید می نشیند روی برگ ها و تنفس نمی توانند بکنند پس درخت خشک می شود، در کوه هم هست و کاری نمی توان کرد. مثلا اگر باغی بود با آب پاش آبی می پاشیدند و می شستند، این جنگل ها در سینه ی تیز کوه است. که اگر از بین برود چه اتفاق و فاجعه ای رخ می دهد در محیط زیست؟ این بلاها را شما دست کم نگیرید "فبشرهم بعذاب الیم" نگفته حتما روز قیامت هست، شاید همین عذاب های دنیایی هم جزء آن باشد.

**خشکسالی:** دریاچه ارومیه خشک شد و بعضی ها آمدند استفاده سیاسی و تظاهرات کنند، با تظاهرات که دریاچه تر نمی شود، هرچقدر هم محاسبه می کنند که دو سه سد زدند بالا دستش و ورودی آب آنها به دریاچه این مقدار بوده که خود مردم از آب سد استفاده کنند اما اگر این سدها را بشکنند و آب را رها کنند در مقابل خشکسالی دریاچه عددی نیست و این دریاچه دارد خشک می شود.

باور کنیم این ها ارتباط با عالم معنا دارد و این طور نیست که ما گناه کنیم بی پروا. چرا باید این قدر جوان بیکار داشته باشیم؟ پول هایمان را ذخیره کنیم؟! کسی نمی خواهد شما مجانی پول هایتان را بدهید، پول ها را بیاورید و به جریان و کار بیاندازید و به جای اینکه بگوییم سود طلا این درصد است و یا دلار بخیریم این قدر می رود بالا. خب اگر شما بیاید یک کارخانه آب انگورگیری راه بیاندازید



مثلا در ارومیه، قزوین، زنجان و... تا این انگورهای مردم نیوسد و نرود در خاک، برای هزاران نفر اشتغال به وجود بیاید، این ممکن است ۱۰ درصد سود داشته باشد، اما این سود برکتش فرق دارد، همه پول را ببریم جایی که خیلی سود دارد، آن پول هایی که راكد بوده در صندوق خانه ها را بیاورند بیرون.

مردمی کردن اقتصاد یک بعد آن این است که ما به دولت نق می زنیم که اقتصاد را بدهید به مردم و بعد دیگر این که خصوصی ها بیایند سرمایه گذاری کنند، یک ثروت کوچکی اگر کسی داشته باشد یک موسسه یا شرکتی را راه بیندازد برای جمع آوری عسل از مردم روستاها، تمام روستا می روند دنبال کندوی عسل چون می بینند کسی جنس آنها را می خردند.

شما یک کامیون داشته باشید در همین مناطق روستایی با یک بلندگو ده به ده بگویید روزهای چهارشنبه اول ماه می آیم و مرغ های شما را می خریم. کیلویی این قدر. یعنی با سرمایه گذاری یک کامیون، بیاورید کشتارگاه پر بکنند، بسته بندی کنند، کل مردم تشویق می شوند که مرغ طبیعی و محلی در خانه پرورش دهند و این کار را رها نمی کنند چون می بینند که خریده می شود.

و یا بگویید من تخم مرغ های شما را در فلان ساعت می آیم و می خرم. یک شرکت کوچک را ایجاد کرده و روستاییان را جمع کرده و روستاییان ترغیب می شوند مرغ اضافه کنند، تخم مرغ اضافه کنند، چون یک نفر خریدار تضمینی پیدا شده است. یک شرکت کوچک ایجاد شده است.

چند نفر که یک اندک ثروت دارند و پول اندکی دارند بیایند کامپوست قارچ را با بذرش بسته بندی کنند بین روستاییان و بین مردم پخش کنند و بگویند. قارچ





خود را به ما بدهید و این مقدار به شما دستمزد می دهیم با یک سرمایه ای. کسی سرمایه داشته باشد و بدهد به روستایی و بگوید که این را بگذار در انباری و یا آغلی که الان بلااستفاده است آموزش بده که ضد عفونی کن و این را بگذار آنجا، در مدت ۲۰ روز این طور می شود و اینطور برداشت می توان کرد و بعد بده به خود من و خودم خریدار هستم، حالا شما بگویید این جوری ۱۵ درصد سود دارد اما بگذاری بانک ۲۵ درصد سود دارد و یا طلا بخریم ۲ برابر می شود و یا ارز بخریم می شود ۳ برابر، این چرتکه انداختن یعنی چی؟ اینها رزق و روزی ما را می برد. و این ترغیب مردم است برای سرمایه گذاری کردن و الان محاسبه می کنند که چندین میلیارد دلار، در خانه مردم است، یعنی چی؟ این را بیایم راه بیاندازیم، برکت به زندگی ما برمی گردد.

این مردمی کردن اقتصاد یعنی مردم بیایند در اقتصاد، سازماندهی کنند، موسسه راه بیاندازند تولید را رونق بدهند.

حالا یک حرفهایی هم خطاب به دولت می باشد که ارتباط اقتصاد با نفت را قطع کنید، زمان طرح ها را کوتاه کنید، صنایع دانش بنیان را اهمیت دهید. این ها فرمایشاتی است که حضرت آقا بیان داشته اند به دولت، به دستگاه های قضایی. مبارزه با مفاسد اقتصادی و مدیریت منابع مالی یکی از مسائل اقتصاد مقاومتی و از ارکان کار می باشد.

منتها این ۶ مؤلفه که من عرض کردم و سر شما را درد آوردم این ها ارکانی هستند که مخاطبانش خود مردم هستند و ما باید این مطالب را با روایاتش و احادیش بیان کنیم- وقتی می گوییم حمایت از تولید داخلی یعنی اینکه ما حق





نداریم سلطه بیگانگان را بپذیریم. «قاعده نفی سبیل» بیان شود و نمونه های تاریخی و اینکه بزرگان و علما و دیگران چه کار کرده اند؟ اقتصادهای دنیا چه کار کرده اند؟ حتی گاندی را بگوییم که در هند چه کار کرده با کالای خارجی؟ این ها را باید بگوییم مقاومتی که صورت گرفته نمونه های زیادی دارد، هم نمونه های تاریخی و هم انقلابی. باید ما بتوانیم با موارد و اشاره ها با توجه به احادیث و روایات و آیات قرآن و با استدلال و به شکلی که بتواند انگیزه بدهد و تحریک کند مخاطب را به حضور، یعنی فردا برود کاری انجام بدهد و اگر دید که مثلا پدرش دارد طلا ذخیره می کند با پدرش صحبت کند و او را مجاب کند که پولش را بیاورد در بازار و اقتصاد را راه بیندازد.

ما این همه ساحل داریم. در تمام این سواحل که ۳۷۰۰ کیلومتر در شمال و از آن طرف ۲۰۰۰ کیلومتر ساحل در جنوب که در تمامش شما می توانید حوضچه های ماهی و پرورش میگو راه بیندازید، سرمایه را بیاورید اینجا. خب ممکن است به اندازه بالا رفتن طلا سود نداشته باشد اما بالاخره سود دارد و ده ها کارگر مشغول می شوند و چقدر شیرین است که آدم با سرمایه ای که دارد بیاید ۲۰ خانوار را راه بیندازد، و آنها دعاگوی او می شوند. چرا این کارها را ما نکنیم؟ چرا در صندوق خانه بگذاریم؟

خب این یک همت بالا و کار سنگین می خواهد. برادران ما در قسمت فرهنگی باید کار بکنند، مستند، فیلم و... درست شود یا گرافیک یا پوستر تهیه گردد، شعار برایش تهیه گردد، پیامک تهیه شود، فیلم کوتاه برایش تهیه شود، و بیاید سر زبان مردم و این مطلب بحث شود و جزو گفتگوهای مردم شود و مردم، حرکت در مسیر اقتصاد مقاومتی را مطالبه کنند و بدانید اگر این حرکت آغاز بشود دشمن







به شدت مایوس خواهد شد. اگر مردم با این رویکرد حرکت کنند در اقتصاد مقاومتی، دشمن به شدت مایوس خواهد شد چون ملت ما را تجربه کرده است و عقب نشینی خواهد کرد. اگر ما رفتیم در حالتی که دشمن را کمک کردیم، وقتی ارز گران شد و رفتیم دلار خریدیم که این گران تر شد و پول را در



اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق بخشیم مساله تورم حل خواهد شود، مساله اشتغال حل می شود، اقتصاد داخلی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا می کند، اینجاست که دشمن با مشاهده این واقعیت مایوس و ناامید می شود و وقتی دشمن مایوس شد تلاش دشمن و توطئه دشمن هم تمام خواهد شد.



خانه انبار کردیم یعنی کمک کرده ایم به دشمن و دشمن در هدفش موفق می شود.

باید ما همت کنیم و خوب بتوانیم بیان کنیم. هم برادران در تربیت و آموزش مطالبی که می خواهند تهیه کنند برای مربیان و سرمربیان، خوب و انگیزه بخش و با مثال ها و نمونه های عینی و مبتنی بر مبانی دینی و با استدلال و منطق قوی و پویا باشد و هم برادران در تبلیغات زحمت بکشند تا ما بتوانیم شاهد یک موج در کشور باشیم.

ما الان خودمان را برای عمل آماده کرده ایم و این طور نیست که فقط شعار دهیم و خود سازمان بسیج، «قرارگاه جهاد اقتصادی» دارد که در این



قرارگاه برای ۱۴ عنوان تولید محلی دم دستی که مردم عادی می توانند انجام دهند برنامه ریزی می کنیم، یعنی طرح اقتصادی برایش درست می کنیم و حمایت های مالی درست می کنیم و خود دولت حمایت دارد و خود ما هم داریم حمایت مالی درست می کنیم برای کمک های بیشتر. در حال تدوین برنامه های آموزشی هستیم. مثلاً برای تولید مرغ خانگی برنامه آموزشی تهیه می کنیم جزوه تهیه می کنیم. چگونه برونند این را ترویج کنند؟ در ابعاد چند تایی باشد به صرفه است؟ و چگونه این را جمع آوری کنند؟ تمام این ها جزوه می شود آموزش داده می شود در رده ها، پشتوانه های مالی برایش پیش بینی می شود.

این موج را که شما راه بیاندازید این بستر را آماده می کند که آدم ها بیایند. امروز من رفته بودم دانشگاه تربیت بدنی، در آنجا اجلاسی بود برای بررسی مراکز استعدادیابی، آمده بودند سراغ ما، که اگر شما حمایت می کنید ما ظرفیت داریم قارچ پرورش دهیم یعنی می آییم. کاری بکنیم بیایند سراغ ما، بیایند و بگویند که ما می خواهیم عسل تولید کنیم، قارچ تولید کنیم، تخم مرغ تولید کنیم، مرغ تولید کنیم.... بگذاریم به حرکت در بیایند.

ما الان دو و نیم میلیون هکتار زمین، زیر سد ها را داریم که شبکه آبیاری ندارد و اگر این دو و نیم میلیون یا سه میلیون هکتار زمین که ما زیر سدها داریم شبکه آبیاری آن وصل شود تولید استراتژیک کشاورزی ایران می شود ۲ برابر، یعنی حداقل ما بیشتر از گندمی که در کشور تولید می کنیم می توانیم تولید کنیم، یعنی دو و نیم میلیون شغل می توانیم ایجاد کنیم، چون هر هکتار زمین آبی یک شغل است و این بحث علمی است، منتها کجاست همت؟ این پول هایی که خوابیده در صندوق خانه ها بیاید بیرون و برود این کانال ها را بکشد، الان دولت





می گوید بروید این زمین های کشاورزی را آباد کنید و من کمک می کنم حتی برای آبیاری تحت فشار، یعنی کسانی که آبیاری قطره ای کنند، آبیاری تحت فشار کنند و بارانی کنند به ازای هر هکتار بلاعوض سه و نیم میلیون تومان دولت پول می دهد، همه ما دوست داریم این پول را تبدیل کنیم به زمین و سکه و ارز تا قیمتش برود بالا. خب این پول را بردارید بیاورید اینجا و زمین را آباد کنید، دو و نیم میلیون شغل کم نیست و حالا کی قراره این آباد شود؟ این سدها هرساله که از آن می گذرد دارد عمرش تمام می شود، منتها کانال ها هنوز کشیده نشده است. میدان برای کار فوق العاده زیاد است.

زمین ها را بگذارید کنار، اگر ما با آموزش درستی که می دهیم همین زمین هایی که زیر کشت هستند را بهره برداری کنیم ۲ برابر این را می توانیم محصول برداشت کنیم، شما ببینید اگر می خواهید صحت حرف من را بسنجید در اطلاعات جستجو کنید که کسانی که کشاورز نمونه شده اند چه کار کرده اند؟ مثلا کشاورز نمونه در کشور ما از یک زمین، چند تن سیب زمینی یا چغندر یا گندم برداشت کرده اند؟ این عدد را بگیرید و بعد مقایسه کنید با متوسط کشور، می بینید بیشتر از ۲ برابر می باشد یعنی همان کاری که اون آقای کشاورز نمونه کرده و به موقع کارهای علمی و مراقبت هایی که باید سرموقع انجام داده، اگر بتوانیم همین را به موقع در بسیج به بقیه کشاورزان آموزش دهیم و مجابشان کنیم که این کارها را بکنند می توانیم بدون اینکه کار جدیدی کرده و کانال جدیدی کشیده باشیم، کشاورزی را ۲ برابر کنیم.

میدان کار خیلی زیاد است اقتصاد مقاومتی یعنی این، یعنی حل کردن این مسائل، شناخت این مسائل، این مدل ها که بحث شد باید تبیین کنیم و بیاوریم





در میدان، جوانان بیایند، بسیجی ها بیایند این انرژی که بسیج دارد که آنگونه در جبهه درخشیدند و آن طور در عرصه های انقلاب درخشیدند، یا در عرصه های فرهنگی و در عرصه های امنیتی؛ حالا همت خود را بیاورند در عرصه تولید، این انرژی را بتوانیم آزاد کنیم در عرصه تولید و حالا آقایانی که مثلا مداح است می گوید ما اینجا چه کاره ایم؟! آقایان مداح که می خواهند محرم و صفر مداحی می کنند در صحبت‌هایشان بگویند آقا ما چیکار بکنیم؟ همه اقشار کار دارند. روحانیون این مطالب خود را شیوا بنویسند مستند به حدیث و روایات و آیات، اول محرم که می خواهند بروند دستشان بدهیم و اصلا برویم با مراجع عظام صحبت کنیم این جزوه را به مراجع عزیز بدهیم و زمانی که آقایان طلاب و روحانیون می خواهند بروند شهرها و روستاها، به آن ها بگویید و از آنها بخواهید بگویند:

- چرا در روستاها مرغ خانگی نیست؟

- چرا در روستاهای ما مرغ و اردک نیست؟

\_\_ چرا کارهای تولیدی را گذاشته اید کنار و همه شما شده اید مصرف زده؟

\_\_ دو تا گوسفند گذاشتن کنار خانه روستایی چه اشکالی داره؟

ما این برنامه گفتمان را از آبان رسماً باید شروع کنیم و نهایتاً به طور جدی از ۱۵ آبان تا ۱۵ دی وقت آن است که می شود در همین محرم. اگر در محرم مداحان و طلاب، خوب این مساله را حس کنند و درک کنند این مساله عمیق را با مثال ها و پاسخ به شبهاتش و به مردم بالای منابر بگویند خیلی قدم بزرگی را برداشته ایم، یعنی جوشش می افتد بین مردم، به اصناف بگویند که سرمایه گذاری کنید و به همه با زبان خودشان بگویند همین ۲ تا قشر اگه خوب در این محرم استفاده





کنند و تبیین کنند آموزش اقتصاد مقاومتی و بیان دیدگاه های امام خامنه ای را در این مورد، ما قدم خیلی بزرگی برداشته ایم.

فلذا هیچ قشری بیرون از دایره نیست. خصوصا کسانی که زبان تبلیغ دارند و امیدواریم این کارها واقعا انجام بگیرد و در زمان کوتاه، ما این بسته های اطلاعاتی را تهیه بکنیم و به صورت پرده نگار و یا به صورت جزوه این ها را تهیه کنیم و در اختیار اқشار قرار دهیم. نشریاتی باید تهیه شود و بتواند به جریان بیفتد و حلقه های صالحین در این ۲ ماه اشباع کنند جوانان را از اطلاعاتی که باید بدانند و فرمایشات آقا را بدانند و همه به حرکت بیفتند.

این ها می توانند از خود مردم محل مثال بیاورند من خودم رفتم در دیواندَره ی کردستان، مردم استقبال کرده بودند در همان جمعیتی که آمده بودند به جوانی رعنا گفتم شما چه کاره ای؟ گفت بیکارم. به بغلی او اشاره کرده و گفتم شما چه کاره ای؟ گفت من کندوی عسل دارم، سال گذشته ۳۰ میلیون درآمد داشته ام، یعنی در همان محل آن کسی که در مقابل این حرفهای ما به طعنه می گوید تو سواره ای و من پیاده، جواب بدهیم همسایه شما که مثل خودت است این همت را دارد پس شما هم همین قدر همت کن. اگر گفت من بلد نیستم. به او یاد بدهیم. گفت سرمایه ندارم. بگوییم باشه به شما وام می دهیم. کندو قسطی می دهیم، دستگاه جوجه کشی قسطی می دهیم تولید کن پولش را بده. یعنی از خود محل الگو معرفی کنیم، برای اینکه ما منفعل نشویم. نمونه های زیادی است که اهل محل نسبت به کار، جدی بودند و رفتند انجام دادند.

اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق بخشیم مساله تورم حل خواهد شود، مساله





اشتغال حل می شود، اقتصاد داخلی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا می کند، اینجاست که دشمن با مشاهده این واقعیت مایوس و ناامید می شود و وقتی دشمن مایوس شد تلاش دشمن و توطئه دشمن هم تمام خواهد شد". این صحبت حضرت آقاست و این تحریم و جنگ اقتصادی آخرین ترفند آنهاست و دشمنان، دیگر چیزی برای ارائه کردن ندارند. این ها فرمایشات حضرت آقا بوده و انتظار ماست. از خداوند می خواهیم توفیق دهد اقتصاد مقاومتی را پیاده کنیم و همه جامعه را به تحقق آن ترویج نماییم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته





سردار نقدی:  
ولایت عصاره فضایل امت است.

معاون رئیس‌جمهور اندونزی با اشاره  
به تخصص خود در زمینه‌ی اقتصاد  
خطاب به امام خامنه‌ای گفت:  
من دیدگاه‌های جنابعالی را در خصوص  
اقتصاد مقاومتی مطالعه کرده‌ام  
و این دیدگاه‌ها بسیار جالب و جدید است.

۱۳۹۱/۰۶/۱۰